

بازتاب مؤلفه‌های رئالیسم در آثار سیمین دانشور

بی‌تا قنبری^۱

عالم‌جان خواجه مرادوف^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۵

DOI: 10.22080/RJLS.2022.23634.1312

چکیده

رئالیسم هم بر جریان ادبی خاص قرن نوزدهم دلالت دارد و هم به مثابه‌ی سبکی از داستان‌نویسی به کار می‌رود که زندگی را تا حد ممکن به همان صورت که در جهان اجتماعی می‌گذرد، بازتاب می‌دهد. رئالیسم ادبی به جای دراماتیزه کردن یا عاشقانه‌تر کردن داستان، تلاش می‌کند تا آنجا که ممکن است به واقعیت‌های زندگی و شخصیت‌های عادی زندگی روزمره به‌طور حقیقی بپردازد. در آثار اوکین نسل از داستان‌نویسان ایرانی از جمله سیمین دانشور نیز بسیاری از ویژگی‌های مکتب رئالیسم جلوه‌گر است. دانشور به‌عنوان نخستین بانوی داستان‌نویس ایران، سه رمان با نام‌های «سووشون»، «جزیره‌ی سرگردانی» و «ساربان سرگردان» نوشته است. روش این پژوهش، تطبیق دادن جزئیات و عناصر موجود در رمان و استنباط جنبه‌های دقیق برای کشف مؤلفه‌های رئالیستی (شخصیت‌پردازی، توصیف، زبان، درون‌مایه، نمود شخصیت‌نویسنده و بازتاب زندگی شخصی‌های حقیقی) و چگونگی تطابق آن با واقعیت‌های اجتماعی است. در این مقاله بازتاب مؤلفه‌های رئالیسم در آثار داستانی سیمین دانشور، در دو بخش مسائل سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و زندگی شخصی نویسنده و در بخش فرم داستان‌ها، ویژگی‌هایی مانند کاربرد زبان عامیانه و متناسب با طبقه‌ی اجتماعی، صحنه - پردازی‌های دقیق و شخصیت‌پردازی‌های واقع‌گرا بررسی می‌شود. دانشور توانست در آثارش، تجربه‌ی زیسته‌ی فردی و اجتماعی و آلام و آمال شخصیت‌های طبقات مختلف اجتماع در دهه‌هایی از تاریخ ایران را همان‌گونه که هست، بازتاب دهد.

کلیدواژه‌ها: رئالیسم، داستان، واقعیت اجتماعی، سیمین دانشور، سووشون، ساربان سرگردان، جزیره‌ی سرگردانی.

^۱ - دکتری زبان و ادبیات فارسی، استاد مدعو دانشگاه علوم پزشکی مازندران، بابل، ایران. (نویسنده‌ی مسؤول)، رایانامه:

bitaghanbari53@gmail.com

khojamurod@mail.ru

^۲ - استاد زبان و ادبیات فارسی، آکادمی علوم تاجیکستان، رایانامه:

۱- مقدمه

رنالیسم ادبی، بخشی از جنبش هنری رنالیسم است که در فرانسه از قرن نوزدهم آغاز شد و تا اوایل قرن بیستم ادامه یافت. این جنبش به عنوان واکنشی به رمانتیسم قرن هجدهم و ظهور بورژوازی در اروپا شروع شد؛ زیرا تصور می‌شد که آثار رمانتیسم بسیار عجیب و غریب‌اند و ارتباط خود را با دنیای واقعی از دست داده‌اند. یکی از شاخه‌های مهم مکتب رنالیسم، رنالیسم ادبی است که ادبیات داستانی در آن ظهور و بروز پیدا می‌کند. این حوزه، آثار متعددی از ادبیات جهان را شامل می‌شود. مهم‌ترین ویژگی آثار رنالیستی آن است که انسان را به عنوان موجودی اجتماعی در جامعه مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین رمان‌نویس بر پایه‌ی مکتب رنالیسم، باید شناخت درستی از جهان زیست خود داشته باشد. او باید بتواند با نفوذ به دنیای درون شخصیت‌ها، تصویر روشنی از آنان در جهان داستان برای مخاطب ترسیم نماید. قهرمانان و شخصیت‌های رمان‌های رنالیستی اغلب از طبقه‌ی متوسط اجتماع و افراد اطراف خالق اثر ادبی برگزیده می‌شوند که نماینده‌ی هموعان و هم‌فکران خود هستند. به سبب واقع‌گرایی و نیز پیوندی که مکتب رنالیسم بین فرد و جامعه برقرار می‌کند، این مکتب هیچگاه رونق خود را از دست نداده و به یک دوره‌ی خاص محدود نشده است، بلکه در همه دوره‌ها، ستاره اقبالش درخشش دارد. در ایران، نمونه‌های متعددی از این مکتب در ادبیات داستانی پدید آمده است. هر کدام از این آثار، اهمیت ادبی و تاریخی ویژه‌ای دارد؛ شمار زیادی از نویسندگان در ایران در آثار خود از رنالیسم و اصول آن پیروی کرده‌اند، به شکلی که حتی ظهور داستان‌نویسی نوین در ایران با رنالیسم همراه بوده است.

۱-۱- بیان مسأله

رنالیسم نه تنها در قلمرو ادبیات داستانی ایران، بلکه در ادبیات داستانی جهان بیش از سایر مکتب‌های ادبی ظهور و بروز داشته است. ادبیات داستانی ایران از همان نخستین نمونه‌های خود، نشان‌دهنده‌ی توجه نویسندگان به رنالیسم در ساختار رمان‌ها و داستان‌هایشان است. با شکل‌گیری انقلاب مشروطه و دگرگونی‌های مترتب بر آن و توجه عمده به نقش و کارکرد رسالت و تعهد اجتماعی اثر ادبی، رنالیسم در کانون توجه اغلب نویسندگان قرار گرفت. رنالیسم انتقادی دوره‌ی مشروطه و پس از آن، رفته‌رفته با گسترش اندیشه‌های سوسیالیستی تاحدودی متمایل به رنالیسم سوسیالیستی ایرانی می‌شود و نویسندگان بسیاری به ویژه در دهه‌ی ۲۰، غالب داستان‌های خود را متأثر از آموزه‌های آن می‌نوشتند.

بررسی و تبیین جلوه‌ها و مؤلفه‌های رئالیسم در آثار داستانی نویسندگان ایرانی، نکات مهمی را در باب سطح ادبی و ارزش تاریخی هر یک از آثار ادبی روشن خواهد ساخت و در تحلیل سبک شخصی نویسندگان، نقش مهمی ایفا می‌کند. «داستان‌نویسی نوین، مهاجری است که بیش از صد سال از اقامتش در این سرزمین نمی‌گذرد. البته این مدّت در تاریخ ادبیّات، دوران کوتاهی نیست، به خصوص که دوره‌ی مورد نظر به دلیل تغییر و تحولات چشمگیر در حوزه‌ی جامعه، فرهنگ و ادبیّات از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر به حساب می‌آید.» (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۷)

دانشور بدون شک از توان‌ترین نویسندگان زن داستان‌نویس ایران است که حدود هفت دهه به نویسندگی پرداخته است و طی این سال‌های طولانی در معرض فراز و نشیب تحولات سیاسی، فرهنگی و ادبی قرار گرفته است. در بخش مهمی از این سال‌های زندگی با همسرش، جلال آل احمد همراه بوده و حضور و تأثیر این دو تن در متن جریان‌های ادبی و روشن‌فکری زمان خود فراموش‌نشده است. همه‌ی این عوامل باعث شده است که زندگی او ویژگی‌های خاص خود را داشته باشد که در نوع خود منحصر به فرد است. در این میان سیمین دانشور به‌عنوان بانوی داستان‌نویسی در ایران، آثار داستانی خود را بر اساس قواعد رئالیسم پدید آورده است. از این نظر، بیشتر مؤلفه‌های اصلی مکتب رئالیسم در آثار دانشور جلوه گر شده است و دانشور توانست با مهارت نویسندگی خود این عناصر را به شکلی هنری در آثار خود ارائه کند. شخصیت‌پردازی، توصیف، زبان و درون‌مایه در آثار داستانی دانشور از مؤلفه‌های رئالیسم پیروی می‌کند.

بررسی هر یک از این عناصر در آثار دانشور و تبیین مشابهت‌های عناصر این مکتب در آثار او نشان می‌دهد که مکتب رئالیسم در ادبیّات داستانی ایران، جلوه‌ای خاص دارد و می‌توان با روشی علمی، ویژگی‌های آثار داستانی رئالیستی در ایران را به شکلی دقیق تقسیم‌بندی و تحلیل کرد. در سیر تحول و زندگی و افکار دانشور، نوعی تعادل و توجه محتاطانه به مسائل به چشم می‌خورد که می‌تواند برگرفته از روحیه‌ی مصلحت‌اندیش و محافظه‌کار او نیز باشد. با این همه می‌توان آثار این نویسنده را آینه‌ی تمام‌نمای جامعه در دوره‌هایی مشخص دانست.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

تلاش و دغدغه‌ی نگارنده این است که با بررسی و تحلیل آثار سیمین دانشور برای پرسش‌های زیر به

پاسخ‌هایی دست یابد:

- دانشور چگونه توانسته و کوشیده است تا واقعیت‌ها و آلام و آمال شخصیت‌های طبقات مختلف اجتماع را در آثار خود همان‌گونه که هست، نشان دهد؟

- آیا این شخصیت‌های خلق‌شده، از جایگاه ذهنی، عینی، واقعی و پذیرفتنی در اجتماع، خانواده، فرهنگ و باور جامعه برخوردارند؟

- خاستگاه اجتماعی و خواسته‌های درونی و نوع شخصیت دانشور در نوع و نحوه‌ی آفرینش شخصیت‌های داستان‌هایش تا چه اندازه موثر بوده است؟

- آیا در خلق شخصیت‌ها از افراد محیط اجتماعی خود استفاده کرده است؟

۱-۳- پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی ادبیات فارسی، تحقیقاتی در زمینه‌ی مکتب رئالیسم انجام شده است. معتمدی آذری (۱۳۸۴) در مطالعه‌ی خود نشان داد که رئالیسم، ادبیات نوین عصر حاضر است که سعی در نمایاندن واقعیت دارد. واقع‌گرایی تنها یک سبک میان سبک‌های ادبی دیگر نیست، بلکه زیربنایی است برای سایر سبک‌های ادبی.

- هاشم صادقی محسن‌آباد (۱۳۹۲) در فراتحلیل خود با موضوع «تأملی در اصول و بنیادهای نظری رئالیسم در ادبیات» بر این باور است که به دلیل عدم توفیق بر مبانی نظری و بنیان‌های فلسفی، با فروکاستن رئالیسم به عناصر داستان و یا بازتاب اجتماعیات در اثر ادبی، عدم تمایز میان معانی رئالیسم (مکتب ادبی، سبک داستان‌نویسی و...)، خطاها و کاستی‌هایی بنیادین به مقالات رئالیسم‌پژوهی فارسی راه یافته است و نیز عناصر و مولفه‌های رئالیسم در آثار نویسندگانی همچون غلامحسین ساعدی، پورنامداریان و سیدان (۱۳۸۸) در داستان‌های سبک رئالیسم، واقعیت و خیال درهم گره می‌خورند؛ اما به گونه‌ای که واقعیت بر خیال سیطره دارد، نه خیال بر واقعیت.

- مسجدی (۱۳۸۹) رئالیسم جادویی، یکی از شاخه‌های مکتب واقع‌گرایی است که در آن عناصر سحر و جادو و وهم و خیال چنان با عناصر واقعی آمیخته می‌شوند که تشخیص آن‌ها به آسانی ممکن نیست و حقایق و جزئیات زندگی در آن با ترکیب دو عنصر واقعیت و خیال طوری بیان می‌شود که حوادث خیالی، حقیقی و طبیعی جلوه می‌کنند و خواننده به آسانی حوادث و کنش‌های فراواقعی را می‌پذیرد.

- اکبری بیرق (۱۳۸۸) در «روایت واقع‌گرا در آثار داستانی ابراهیم گلستان» معتقد است که نویسندگان سبک رئالیسم با پیوند میان محتوا و پرداختن به جزئیات (واقع‌گرایی و تکنیک‌های روایی خاص) در داستان، سبکی از روایت شکل گرفت که «روایت واقع‌گرا» نامیده شد. این سبک روایی، پس از ورود مکتب رئالیسم در ایران، از سوی داستان‌پردازان ایرانی نیز مورد استقبال قرار گرفت.

- کوچکیان و قربانی (۱۳۸۹) در «بازتاب اجتماع و رئالیسم سوسیالیستی در سال‌های ابری، اثر علی‌اشرف درویشیان»، جامعه‌ی کرمانشاه را در اواخر دهه‌ی سی و اوایل دهه‌ی چهل به تصویر کشیده، در لابه‌لای این توصیفات، تقابل سنت و تجددخواهی را می‌توان آشکارا مشاهده نمود. علاوه بر این برجستگی برخی از مؤلفه‌های معنایی و تحلیل‌های جامعه‌شناسانه نویسنده از حوادث، رنگ و بوی آثار رئالیسم سوسیالیستی به آن بخشیده است.

- همچنین فدوی الشکری (۱۳۸۶) در کتاب «واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر»، تاریخی تحلیلی از رمان واقع‌گرایی فارسی بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ارائه داده است. البته مؤلف، تحلیل خود را بر سه رمان چشم‌هایش بزرگ علوی، مدیر مدرسه جلال آل‌احمد و همسایه‌ها احمد محمود متمرکز کرده است. مطالعه‌ی فدوی نشان می‌دهد که تحقیق او به گونه‌ای شامل و فراگیر است و ادعا دارد که شیوه‌ای نوین در تحلیل و بررسی رمان‌های فارسی از دیدگاه رئالیستی ارائه کرده و با اینکه کار عمده تحلیل و بررسی متون داستانی رئالیستی بوده است، در جاهایی که ضرورت ایجاب می‌کرد، به نقد عناصر بنیادین آثار رئالیستی برگزیده دست زده است و نقاط ضعف پرداخت واقع‌گرایانه‌ی نویسندگان آنان را نشان داده است.

- محمد پاشایی و ابوالفضل رضانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مؤلفه‌های رئالیسم» به بررسی و تبیین مؤلفه‌های رئالیسم در آثار داستانی جمال‌زاده و جلال آل‌احمد به‌عنوان نویسندگان برجسته‌ی ادبیات داستانی ایران پرداخته‌اند. مطالعه‌ی آنان نشان داد که جمال‌زاده و آل‌احمد برای به‌دست‌دادن تصویر و رونوشتی از واقعیت، از نثر به‌عنوان ابزاری کارآمد بهره برده‌اند و داستان را با زبانی ساده و شفاف و عاری از پیچیدگی و صناعت ادبی روایت کرده و برای روایت داستان از اصطلاحات، تعابیر و ضرب‌المثل‌های عامیانه بهره برده‌اند.

- مهناز محمدلو و نجمه نظری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با موضوع «جنبه‌های رئالیستی جزیره سرگردانی» به دو حوزه‌ی محتوا (مسائل سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین بازتاب زندگی شخصی

نویسنده) و فرم و ساختار رئالیستی اثر به عناصری چون شخصیت‌پردازی، زبان و لحن، صحنه‌پردازی و شیوه‌ی روایت پرداخته‌اند.

تاکنون آثار معدودی در نقد و بررسی آثار دانشور به صورت مستقل نوشته شده است که از آن جمله می‌توان به «جدال نقش با نقاش» از هوشنگ گلشیری، یادنامه‌ی «بر ساحل جزیره سرگردانی» به کوشش علی دهباشی و «درنگی بر سرگردانی‌های شهرزاد پسامدرن» از جواد اسحاقیان اشاره کرد. با این همه تاکنون تحقیق مستقلی درباره‌ی تحلیل آثار دانشور از دیدگاه رئالیستی صورت نگرفته است. مقاله‌ی حاضر نیز تلاش دارد تا با بررسی و تبیین مؤلفه‌های رئالیسم در آثار داستانی سیمین دانشور که به عنوان نخستین و نیز برجسته‌ترین نویسنده‌ی ادبیات داستانی ایران شناخته می‌شود، علاوه بر کمک به تحلیل دقیق سبک شخصی دانشور، در تبیین علمی ادبیات داستانی ایران نیز موثر باشد.

۱-۴- روش پژوهش

روش این پژوهش، تطبیق دادن جزئیات و عناصر موجود در رمان و استنباط جنبه‌های دقیق برای کشف مؤلفه‌های رئالیستی آن و چگونگی تطابق آن با واقعیت‌های اجتماعی است. در مقاله‌ی حاضر تلاش شده تا بازتاب مؤلفه‌های رئالیسم در آثار داستانی سیمین دانشور در دو بخش مسائل سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و زندگی شخصی نویسنده و در بخش فرم داستان‌ها نیز ویژگی‌هایی چون کاربرد زبان عامیانه و متناسب با طبقه‌ی اجتماعی، صحنه‌پردازی‌های دقیق و شخصیت‌پردازی‌های واقع‌گرا بررسی شود.

۲- چارچوب مفهومی

۲-۱- رئالیسم

از نظر لغوی، واژه‌ی رئالیسم از ریشه‌ی لغت رس (res) به معنی چیز است. شیء‌گرایی یا شیئیت (گران، ۱۳۷۹: ۵۶) از نظر اصطلاحی به مکتبی اطلاق می‌شود «که تصویری از واقعیات چشم‌اندازهای زندگی، خارج و آزاد از ایدئالیسم، ذهن‌گرایی و رنگِ رمانتیک باشد. این برخورد، نقطه‌ی مقابل رمانس است، لکن نظیر ناتورالیسم از فلسفه‌ی جبر و وضع کاملاً غیر اخلاقی ناشی نمی‌شود.» (هرت: ۱۹۸۳: ۲۳)

هدف مکتب رئالیسم، جستجو و تبیین کیفیات واقعی هر چیز و روابط درونی بین یک پدیده و دیگر پدیده‌هاست. پیروان این مکتب، برخلاف رمانتیک‌ها به توصیف توده و زندگی اجتماع خویش می‌پردازند و آن را چنان که هست، تشریح می‌کنند، نه به آن شکلی که باید باشد. هدف هنرمندان این

مکتب، پی بردن و نمایاندن چگونگی واقعی هر چیز و بستگی‌های درونی دیگر پدیده‌هاست. رئالیسم اصالتاً مفهومی فلسفی است و شاید بتوان آن را نقطه‌ی مقابل نسبیّت‌گرایی دانست. «رئالیسم اعلام می‌کند که یک دنیا و فقط یک دنیا وجود دارد. جهانی که در دنیای واقعی خارج از «ما» وجود دارد، نه فقط تعیین می‌کند چگونه چیزها در مکان، زمان و به شکلی کلی باشند؛ بلکه حقیقت و درستی یکتای علمی را نیز تعیین می‌کند. از این دیدگاه، نظریه‌ی درست آن است که به واقعیت یا «امر واقع» نزدیک شود و با آن ارتباط یابد.» (احمدی، ۱۳۷۴: ۸).

در حوزه‌ی ادبیات، رئالیسم، تصویری واقعی از زندگی بشری ارائه می‌دهد و این موضوع عکس افراط در ادبیات تخیلی و احساساتی است. این مکتب تمام جهات واقعیت را بدون دخالت ذهن نویسنده در نظر دارد و تلاش می‌کند زندگی را همان‌گونه که هست نشان دهد. اصطلاح رئالیسم در قلمرو ادبیات داستانی در دو معنای خاص و عام به کار می‌رود؛ در معنای خاص، جنبشی ادبی است که در اواخر نیمه‌ی اول قرن نوزدهم آغاز شد و در تباین با رمانتیسم قرار داشت و عمر آن به پایان رسید و اما رئالیسم در معنای عام، سبکی ادبی است که هنوز در داستان‌های کوتاه و رمان‌هایی در روزگار معاصر نوشته می‌شوند، استمرار دارد (رک: پاینده، ۱۳۸۸: ۷۰).

۲-۲- مولفه‌های رئالیسم در بررسی نثر داستانی

۲-۲-۱- شخصیت‌پردازی رئالیستی

راوی در داستان‌های واقع‌گرا به طور مستقیم از ویژگی شخصیت‌ها نمی‌گوید؛ بلکه از طریق گفتمان شخصیت‌ها و نشان دادن کنش‌های آنان، روایت داستان را واقع‌گرا و نمایشی جلوه می‌دهد. (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۱) امروزه اغلب نویسندگان از روش نمایشی برای شخصیت‌پردازی استفاده می‌کنند؛ زیرا داستان را واقعی‌تر جلوه می‌دهد و باعث می‌شود که مخاطب به راحتی با شخصیت ارتباط برقرار کند و ویژگی‌های شخصیت‌ها را بپذیرد.

شخصیت‌های داستانی رئالیست‌های بزرگ همین که در تخیل نویسنده شکل می‌گیرند، زندگی‌ای مستقل از آفریننده‌ی خود در پیش می‌گیرند. آنان در مسیری قرار می‌گیرند که دیالکتیک روانی و اجتماعی زندگی درونی‌شان مقرر می‌دارد. (لوکاج، ۱۳۸۰: ۲۰) لوکاج بر این باور است که شاخص اثر رئالیستی، ابداع شخصیت نوعی است؛ شخصیتی که «وجود او، کانون هم‌گرایی و تلاقی تمام عناصر تعیین‌کننده‌ای می‌شود که در یک دوره‌ی تاریخی مشخص، از نظر انسانی و اجتماعی، جنبه‌ی اساسی

دارد.» (تادیه، ۱۳۷۷: ۱۰۱؛ لوکاچ، ۱۳۸۰: ۱۳) هر شخصیت در عین حال ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد خود را دارد و توصیف‌کننده‌ی قشر و طبقه‌ای است که از آن برخاسته است.

جنبه‌ی دیگر شخصیت‌سازی رئالیستی، بروز استعداد‌های قهرمان داستان در ضمن حوادث واقعی است. آدم‌هایی که نویسندگان بزرگ رئالیستی آفریده‌اند، زندگی مستقلی دارند که از دایره‌ی اراده نویسنده بیرون است (پرهام، ۱۳۳۶: ۵۴). شخصیت‌های رئالیستی، واقعی خلق می‌شوند و کارهای خارق‌العاده انجام نمی‌دهند، به گونه‌ای که خوانندگان به راحتی آنان را به یاد می‌سپارند. نویسنده‌ی رئالیست، به شخصیت‌های داستانی‌اش، ویژگی‌هایی می‌دهد که این ویژگی‌ها برگرفته از آدم خاص یا ترکیبی از مختصات خود نویسنده باشد. در واقع، شخصیت‌پردازی، زمانی رئالیستی است که شخصیت‌های داستان محصول حوادث واقعی و عکس‌العمل‌هایی باشد که فرد در برابر این حوادث نشان می‌دهد. یک اثر رئالیستی ممکن است تا اندازه‌ی زیادی شرح حال خود نویسنده باشد، ولی حواس نویسنده‌ی رمان جمع است که او مشغول نگارش یک رمان است، نه شرح حال خودش. او ممکن است بیشتر مواد و مصالح را از زندگی خودش بردارد و از این مصالح آن‌طور که موافق منظور خود اوست، استفاده کند. (موام، ۱۳۷۷: ۱۰۸) نویسنده تلاش می‌کند برای ترسیم شخصیت‌ها و موقعیت‌های آنان در ذهن خواننده، آنان را از دید یک گزارشگر عینی با دقت توصیف کند.

۲-۲-۲- توصیف رئالیستی

نویسنده واقع‌گرا، تصویری می‌آفریند که به واسطه‌ی شباهت زیادش با ادراک عادی ما از زندگی، مجذوب‌کننده است. او با ترفندهای روان‌شناختی مجاب‌کننده‌ای، انگیزه‌های گوناگونی را که منشأ حرکات و کنش‌های شخصیت‌هاست، به خواننده نشان می‌دهد و این امر با تصویری پذیرفتنی از جامعه‌ای که شخصیت‌ها در آن زندگی می‌کنند، همراه است. (پیک، ۱۳۹۷: ۱۱۴) مفهوم پرداخت رئالیستی جزئیات از طریق توصیف در آثار ادبی، کلی‌تر از آن است که بتوان آن را به طور مشخص اثبات کرد. اثبات این امر ابتدا مستلزم بررسی ارتباط پرداخت رئالیستی جزئیات با برخی جوانب خاص فنون روایت داستان است. به نظر می‌رسد دو جنبه از این جوانب در رمان اهمیت ویژه‌ای دارد. شخصیت‌پردازی و ارائه‌ی پس‌زمینه توجیهی معمولاً در رمان منجر به فردیت بخشیدن به شخصیت‌ها و نیز توصیف مشروح محیطشان می‌شود و باعث تمایز قطعی رمان از سایر انواع ادبی و نیز گونه‌های قبلی ادبیات داستانی می‌شود. (دریایی و اسعد، ۱۳۸۷: ۷۴)

۲-۲-۳- زبان رئالیستی

زبان، پدیده‌ای اجتماعی و عنصری پویاست که در گذر زمان همراه با تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دستخوش تغییرات بسیاری شده است. زبان، یکی از عناصر محوری و سازنده‌ی هر نظریه‌ی ادبی به شمار می‌رود و خود از جمله وجوه تفاوت و تمایز مکتب‌ها و نظریه‌های ادبی با یکدیگر محسوب می‌شود. زبان رئالیستی در سطح گفتار خودآگاه که می‌توان آن را حوزه‌ی تفکر منطقی خواند، متضمن مبنای ارتباطی است. وقتی انسان قصد دارد ارتباطی اعم از شفاهی یا کتبی برقرار کند، اندیشه‌های خود را از جهات مختلف نظم می‌بخشد و از میان انبوه افکار، آنچه را متناسب با موضوع می‌داند، انتخاب می‌کند و آن‌ها را بر مبنای نظم زمانی مرتب می‌کند. (بهنام، ۱۳۹۴: ۹) هدف نویسندگان رئالیست، به دست دادن رونوشت و تصویری از واقعیت است. برای نیل به این هدف، نثر ابزاری کارآمد محسوب می‌شود. نثر خودبه‌خود نشانی از زندگی روزمره دارد و کارها و تعامل‌های آشنا در زندگی واقعی را در ذهن تداعی می‌کند. در کل استفاده از نثر یکی از وجوه تمایز داستان‌های رئالیستی از انواع روایت‌های منظومی است که در گذشته نوشته می‌شدند. «دوره‌ی رئالیسم، دوره‌ی عظمت رمان است و نویسندگان بزرگ و رمان‌های جاویدان در این دوره به وجود آمده‌اند.» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۸۶) این دوره، عصر تحقیر شعر است و پایه‌گذاران رئالیسم به شاعران و نویسندگان رمانتیک می‌تاختند. آنان می‌گفتند: «شاعران، پست‌ترین دلکک‌های جهانند.» (رک: فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۷۴۳)

ویژگی‌های زبان نثر رئالیستی عبارتند از:

۲-۲-۳-۱- شفافیت روایی در برابر فصاحت بلاغی:

در رمان رئالیستی، مردم‌گرایی «ایجاب می‌کند آثار ادبی به نحو عامه‌پسندانه‌ای ساده و به شیوه‌ای سنتی واضح باشد.» (لاج و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۶) در روایت‌های پیشارئالیستی، وقتی واسطه‌ی بیان منشور بود، صرف زیبا بودن زبان اهمیت داشت و جزء ارزش‌های ادبی مناقشه‌ناپذیر محسوب می‌شد. فصاحت از جمله ویژگی‌های نثر کهن و متن کلاسیک بود؛ اما در داستان رئالیستی، فصاحت جای خود را به شفافیت در زبان می‌دهد. (پاینده، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۳)

۲-۲-۳-۲- کارکرد ارجاعی در برابر کارکرد مجازی:

زبان در نثر رئالیستی در درجه‌ی نخست، کارکردی ارجاعی دارد و نه مجازی. کارکرد زبان در رمان رئالیستی به نسبت دیگر انواع ادبی، بسیار ارجاعی‌تر است و عملکرد خود رمان هم بیشتر از طریق توصیف

همه‌جانبه است تا تمرکز فصیحانه بر جنبه‌ای خاص. (لاج و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۵-۴۶) وقتی زبان در ظرفیتی مجازی استفاده می‌شود، هر چیزی می‌تواند استعاره‌ای برای اشاره غیرمستقیم به چیز دیگری باشد. برای مثال گل نرگس در شعر کهن، استعاره‌ای است که غالباً برای اشاره به چشم معشوق و همه خصوصیات ممتازی که شاعر در معشوق می‌بیند، از قبیل زیبایی، حجب و... به کار می‌رود؛ اما در داستان‌های رئالیستی از توصیف‌های مجازی دوری شده و در عوض تکیه بر ثبت عینی و بی‌واسط رویدادهاست. (پاینده، ۱۳۸۹: ۷۸)

۲-۳-۳-۳-۲-۲ زبان متعین در برابر زبان انتزاعی:

برخلاف جنبش‌هایی مانند سوررئالیسم یا مدرنیسم که معطوف به عین است، داستان کوتاه سوررئالیستی، حال و هوایی وهمناک دارد و اوهام و کابوس‌ها و خیال‌پروری‌های غالباً ترسناک شخصیت اصلی را به نمایش می‌گذارد. امر سوررئال، ترکیبی از واقعیت و فراواقعیت، یا آمیزه‌ای از امر عینی و امر ذهنی است... (هما: ۸۳) جان لاک، فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم که در اندیشه‌اش از هر حیث فضای عقاید قرن هجدهم رسوخ کرده بود، بر این باور است که غایت شایسته‌ی زبان، نشان دادن معرفت نویسنده بر اشیاست؛ نویسندگان رئالیست متأثر از این اندیشه مدعی‌اند که رمان‌هایشان در مجموع صرفاً رونوشتی از زندگی واقعی یا به قول فلوبر [رمان‌نویس معروف فرانسوی قرن نوزدهم] نوشته واقعی است. (لاج و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۵-۴۶).

۲-۳-۴-۳-۲-۲ زبان محاوره‌ای در برابر زبان رسمی:

بیشتر در گذشته، شخصیت‌های داستان‌های رئالیستی، معمولاً از اقشار متوسط یا پایین جامعه هستند و به سبب همین جایگاه اجتماعی یا بی‌سوادند و یا چندان تحصیلاتی ندارند و اغلب اهل خرافات هستند. نثری که نویسنده برای روایت داستان برمی‌گزیند، ارتباط تنگاتنگی با عنصر شخصیت دارد. طرز بیان راوی از نوع شخصیتش ناشی می‌شود و چون شخصیت‌های داستان‌های رئالیستی به‌طور اعم و اخص در زمره‌ی محرومان جامعه‌اند، گفتار این شخصیت‌ها بسیار عامیانه و منعکس‌کننده‌ی سطح نازل سواد و آگاهی و فرهنگ است. از جمله مشخصه‌های نثر رئالیستی این است که به گفتار روزمره عامه‌ی مردم در کوچه و بازار برای اقناع و ترغیب خواننده نزدیک و از زبان فخمانه یا رسمی و منشیان دور شود. (الشکری، ۱۳۸۶: ۲۵۳)

۲-۲-۴- درون‌مایه

نویسندگان در داستان‌های رئالیستی بر موضوعات روز جامعه و مسائل مبتلابه مردم، اعم از مسائل اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تمرکز می‌کنند. نویسندگان با نمایاندن زشتی‌های جامعه، زمینه‌ای برای اصلاح آن فراهم می‌سازند. در داستان‌ها، نویسنده می‌کوشد تا با استفاده از تأثیر محیط خارج از وضع روحی قهرمان خود، روابط طبیعی را که در لابه‌لای حوادث وجود دارد، نشان دهد. (سیدحسینی، ۱۳۵۸: ۱۶۹-۱۷۰)

۲-۲-۵- نمود شخصیت خود نویسنده

اگر نویسنده، سایه روشنی از زندگی خود را در داستان بازتاب دهد، در واقع به داستان، رنگ و بوی رئالیستی می‌بخشد. نویسنده‌ی رئالیست با این عمل، «خود اجتماعی خود را... طی داستان نشان می‌دهد». (ر.ک: دهقان، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۸).

۲-۲-۶- انعکاس زندگانی شخصیت‌های حقیقی

این امر یکی از شاخصه‌های رمان رئالیستی است. یکی از سرآمدان اولیه‌ی رئالیسم اجتماعی، گوستاو فلوربر است. او در شاهکار خود «مادام بوواری»، قهرمان خود را مانند مثال‌های واقعی‌شان در اجتماع، زندگی بخشیده و سپس آن‌ها را تا دم مرگ همراهی کرده است. (سیدحسینی، ۱۳۹۲: ۲۸۱)

۲-۳- رئالیسم در ادبیات داستانی ایران

به دنبال وقوع انقلاب مشروطه و در نتیجه بروز تحولات سیاسی - اجتماعی و افزایش آگاهی‌های مردم، طبقه‌ای از مردم متوسط جامعه بر سر کار آمدند که خواستار آزادی، برابری و ناسیونالیسم بودند. خواست اخیر، آنان را وامی‌داشت تا به درک صحیحی از گذشته و توانایی خود دست یابند تا بتوانند در برابر هجوم بیگانگان به تشکیل ملت واحد فائق شوند و برای آن که بتوانند زمینه‌های پیشرفت و برتری خود را فراهم سازند، به جستجوی «حافظه‌ی مشترک تاریخی» در گذشته خود پردازند و علل مجد و شکوه پیشین را یادآوری نمایند. ادبیات مشروطه تحت تأثیر همان حس ملی، وظیفه‌ی خود دید که نسبت به این امور حساسیت نشان دهد و در راه احیای هویت‌های ملی و پاسخ به نیاز عمومی گام بردارد. از این رو، سبک تازه‌ای از رمان به نام «رمان تاریخی» ظهور کرد. (غلام، ۱۳۸۱: ۱۲۶)

رمان‌های تاریخی بر بنیانی کاملاً اجتماعی پی‌ریزی شده بودند و از لحاظ ادبی، تأثیر مهمی در تکامل نهضت رمان‌نویسی و شکل‌گیری ادبیات داستانی برعهده داشته‌اند. جنبه‌های تکنیکی رمان به تدریج در

رمان‌های تاریخی رعایت شد و در رمان اجتماعی به تکامل رسید. عمده‌ترین عیب رمان تاریخی در این بود که نویسنده‌ی رمان تاریخی به گذشته‌ها می‌پرداخت و از حقایق و مشکلات دوره‌ی معاصر خود چشم‌پوشی می‌کرد. در چنین شرایطی به سبب تغییراتی که در شیوه‌ی زندگی مردم و تحولاتی که در حکومت ایجاد شد، اغلب داستان‌نویسان به نگارش رمان‌های رئالیستی و اجتماعی رو آوردند. در این دوره و حتی کمی پیش از آن، صرف‌نظر از رمان‌های تاریخی، شاهد رئالیسم انتقادی با جلوه‌های طنزگونه هستیم. پس از نهضت مشروطه، نویسندگان ایرانی آثاری را با درون‌مایه و ویژگی رئالیسم منتشر کردند و مضامین اجتماعی و سیاسی را مورد هدف قرار دادند. یکی از اولین رمان‌های رئالیسم فارسی، رمان «تهران مخوف» اثر مرتضی مشفق کاظمی بود. این رمان به فساد و ناامنی اجتماعی در اواخر عهد قاجار و اوایل دوران پهلوی پرداخته است. داستان این رمان درباره‌ی عشق فرخ و مهین است و در کنار این داستان عاشقانه، مسائلی چون علل انحراف مشروطه، روسپی شدن زنان و فساد موجود در ادارجات نیز مورد توجه قرار گرفته است. با انقلاب مشروطه در ایران و با گسترش صنعت چاپ و ترجمه و نشر داستان‌ها و رمان‌های خارجی، نیاز به شکل بیان تازه احساس شد. یکی از قالب‌های ادبی‌ای که در زمان مشروطه، توجه نویسندگان را به خود معطوف ساخت، رمان بود. این عنصر انتقادی را می‌توان در بسیاری از آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرآقاخان کرمانی، طالبوف، حاج زین‌العابدین مراغه‌ای و علی‌اکبر دهخدا جست‌وجو کرد. (عبادیان، ۱۳۷۱: ۲۱)

داستان‌نویسی به سبک و سیاق مکتب رئالیسم در ایران از آغاز نوشتن داستان به سبک نوین، با «یکی بود یکی نبود» جمال‌زاده همراه بود و تا به امروز در میان نویسندگان رایج بوده است و نویسندگانی همچون صادق هدایت، بزرگ علوی، جلال آل‌احمد، محمود دولت‌آبادی، احمد محمود، محمود اعتمادزاده، سیمین دانشور و... عناصر رئالیستی و واقع‌گرایی را در آثار خود به کار برده‌اند.

۳- تحلیل داده‌ها

از بین مؤلفه‌های رئالیسم شخصیت‌پردازی، توصیف، زبان، درون‌مایه، نمود شخصیت خود نویسنده در داستان و بازتاب زندگانی شخصیت‌های حقیقی در آثار دانشور، جلوه و نمود بیشتری دارد که به بررسی و تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱- شخصیت‌پردازی رئالیستی در آثار دانشور

نویسنده‌ی رئالیست، شخصیت‌هایی خلق نمی‌کند که با مردم عادی تفاوت داشته باشد؛ بلکه شخصیت‌هایی می‌آفریند که مخاطب بتواند نسخه‌ای از آن را در حوادث پیرامون خود بیابد. در داستان‌های سیمین دانشور، شخصیت‌ها افرادی واقعی هستند و از میان اجتماع انتخاب شده‌اند و نویسنده در راه رسیدن به هدف خود، مسیر زندگی‌شان را دنبال می‌کند. جذابیت‌های آن‌ها به خاطر قدرت نویسنده در بیان حال ایشان است، نه انجام کارهای تخیلی. همچنین در داستان‌های دانشور می‌توان توصیف ظاهری و عینی برخی از شخصیت‌ها را مشاهده کرد که از مؤلفه‌های رمان رئالیستی محسوب می‌شود. شخصیت‌ها، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که آن‌ها را از شخصیت‌های فرعی متمایز می‌کند و همین امر باعث می‌شود که خواننده، آنان را با وجود شخصیت‌های متعدد به یاد آورد.

دانشور، دو نوع زندگی را از دو طبقه‌ی مختلف تجربه کرده است؛ اما همواره با تحصیل‌کردگان، روشن‌فکران و بزرگان علم و ادب محشور بوده است. این تجربه‌های طبقاتی در آثار و شخصیت‌های داستان‌های او تأثیر گذاشته است. چنان که خودش نیز می‌گوید: «من هم ثروت را تجربه کرده‌ام، هم فقر را. می‌دانم اولی به چه سهولتی می‌تواند آدم را فاسد کند و دومی چه وحشت‌زاست. می‌دانم چه آسان فقر سرچشمه‌ی نبوغ را خشک می‌کند.» (والاس و میلانی، ۱۳۸۳: ۶۵) همچنین می‌گوید: «به خاطر علاقه‌ام به فقرا در ایران هرگز کمبود مطلب نداشته‌ام. طبقه‌ی محروم، مردمی عامی، انسان‌های واقعی، همه‌جا هستند.» (همان: ۶۵) توجه به طبقه‌ی محروم، یکی از نصیحت‌های پدر نویسنده است که به او می‌گوید: «در نوشته‌هایت می‌خواهی از کدام طبقه دفاع کنی؟ از طبقه‌ی خودت، [اشراف و ثروتمندان] یا از طبقه‌ی محروم جامعه؟» (خامه‌ای، ۱۳۸۳: ۶۸)

دانشور در برخی از فصول سووشون، «برای آن که بعد و گسترش بیشتری به داستان خود بدهد،» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۴۰۰) زاویه‌دید را از سوّم شخص به اوّل شخص تغییر می‌دهد. تک‌گویی «افسر» در فصل هفدهم از آن جمله است. در سووشون، تک‌گویی‌های دیگری هم هست. برای مثال تک‌گویی «عمّه» و «عزت‌الدوله» و یا خود زری وقتی در زیرزمین دراز کشیده است. این تک‌گویی‌ها، قطع و وصل می‌شوند؛ اما تک‌گویی افسر، یک فصل را به خود اختصاص داده است. نویسنده در این مورد خواسته تا از شیوه‌ی داستان در داستان استفاده کند. دانشور خود در این باره می‌گوید: «بیشتر غرضم در این تک‌

گویی‌ها، آوردن قصه‌های فرعی ضمن اصلی هم بوده؛ یعنی مثلاً پیروی از سنت قصه‌گویی مثنوی.»
(گلشیری، ۱۳۷۶: ۲۰۲)

دانشور در رمان سووشون با پرداختن به جهان ذهنی و عینی زنان، خود را از نویسندگان هم‌دوره‌اش متمایز ساخته است. زری، ملموس‌ترین و برجسته‌ترین قهرمان رمان سووشون، در همه‌ی درگیری‌ها حضور دارد و وقایع را به ترتیب توالی زمان واقعی نقل می‌کند. سووشون، اولین اثر کامل در نوع رمان فارسی است. این داستان هرچند از چشم‌انداز یک زن روایت می‌شود، سرگذشت این زن و ماجراهایی که در خانه‌ی او اتفاق می‌افتد، در سیر روایی داستان به سرگذشت مردم ایران و کشور ایران پیوند می‌خورد. بعد اجتماعی، تاریخی و سیاسی سووشون، آن قدر قوی است که شاید بسیاری از داستان‌های دیگر را که زنان نویسنده‌ی ایرانی در سال‌های بعد می‌نویسند، به دنبال خود می‌کشد و این شاید از ویژگی‌های قابل توجه ادبیات زنان در ایران باشد که از همان آغاز به مسائل سیاسی و اجتماعی عمیقاً پیوند می‌خورد و تا سالیان درازی در همین حال و هوا باقی می‌ماند.

زری، قهرمان سووشون برخلاف اکثر شخصیت‌های زن در رمان فارسی، شخصیتی است پیچیده و چندبعدی است. از یک طرف زری را در خانه و در میان شوهر و فرزندان می‌بینیم و از طرف دیگر در جامعه‌ای که باعث می‌شود آرامش خانه‌ی او به هم بریزد. زنانی که دانشور در آثار خود برمی‌گزیند، از هر دو طبقه‌ی اجتماع «اشراف و محروم» هستند و اصولاً زن‌ها در آثار دانشور اغلب به دو طبقه‌ی متمایز از هم تقسیم می‌شوند؛ زنان طبقه‌ی بالا و مرفه‌الحال و زنان زحمتکش و زیردست و محروم و اغلب کلفت جماعت که خدمت زنان طبقه‌ی بالا را می‌کنند و برای آنان زحمت می‌کشند و از این طریق است که با هم در ارتباطند. گاهی احساسات دلسوزانه و فردی گروه اول شامل گروه دوم می‌شود. (میرصادقی، ۱۳۸۱: ۱۰۱)

انتخاب زاویه‌ی دید دانای کل محدود و نقل رمان‌های دانشور از زبان و دیدگاه یک زن (زری در سووشون و هستی در جزیره‌ی سرگردانی و ساریبان سرگردان) موجب شده است تا نویسنده، بینش و نگرش زنان را نمایش داده، نگاه زنانه‌ی خود را از این طریق به خواننده منتقل کند. در داستان‌های دانشور شخصیت‌های اصلی مرد: یوسف، مراد و سلیم از دیدگاه شخصیت اصلی زن معرفی می‌شوند و از این‌رو خوانندگان با ذهنیت زن ایرانی و افکار و احساسات و عقاید او در فضایی زنانه و صمیمی، بهتر و بیشتر آشنا می‌شوند.

زری، شخصیتی واقعی در رمان فارسی است، به این معنی که صاحب زندگی‌نامه‌ی شخصی، خاستگاه، خانواده و اطرافیانی است که همگی، شخصیت فعلی او را ساخته‌اند. در عین حال این شخصیت برای خواننده، شخصیتی صمیمی است که اعمال و کردار و جهان‌بینی‌اش نیز کاملاً باورکردنی به نظر می‌رسد. زری با توجه به این که زندگی‌اش در درون خانه است، ریزینی‌هایی دارد که مختص اوست و البته این را می‌توان به زن بودن خالق این شخصیت نسبت داد.» (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۷۷)

۳-۲- توصیف رئالیستی در آثار دانشور

نویسنده در آثار رئالیستی ضمن ارائه صحنه‌های داستان، اطلاعاتی به خواننده می‌دهد تا او را با فضای داستان، بهتر آشنا کند. او در این کار، نه قصد میدان دادن به تخیلات صرف خویش را دارد و نه برای گسترش مطلب و ادامه دادن داستان، صحنه‌ها را توصیف می‌کند. این ویژگی در اغلب آثار دانشور دیده می‌شود، به گونه‌ای که خواننده گویی خود نیز در دیدن آن وقایع داستان با نویسنده شریک می‌شود. این ویژگی را می‌توان در کنار ویژگی تشریح جریئات هم حس کرد.

دانشور تلاش می‌کند تا شخصیت‌ها و موقعیت‌های آنان را در ذهن خواننده، از دید یک گزارشگر عینی با دقت توصیف نماید. برای نمونه، توصیفی که دانشور در خلال داستان‌هایش ارائه می‌دهد، این پندار را در ذهن مخاطب تقویت می‌کند که جهان داستان و اتفاقات رخ داده در آن ساختگی نیست؛ بلکه جهان اجتماعی ملموس است و تمام حوادث و وقایع آن، جنبه‌ی عینی دارند. همچنین دانشور می‌کوشد تا با ذکر جریئات کامل، شخصیت‌های داستانی را به مخاطب معرفی کند و ذهن مخاطب را برای پذیرش حرف‌های خودش آماده سازد. او با واقع‌بینی به شخصیت‌ها می‌نگرد و توصیف آنان را از زاویه دید راوی که در بسیاری از داستان‌ها خود اوست، ارائه می‌کند و این جهان‌داستانی‌اش را با جهان اجتماعی واقعی انطباق داده، واقعی‌تر جلوه می‌دهد.

برای مثال در سووشون شاهد تحوّل تدریجی شخصیت زری هستیم. شخصیت زری در حال رشد و تکامل مداوم تصویر شده است. زمانی بود که این زن مهربان و بردبار، با شکیبایی وجود خود را تمام و کمال وقف امور خانه‌داری کرده بود و خود را از دنیای سیاست کاملاً کنار کشید. وقتی قتل رذیلانه‌ی شوهرش، او را دگرگون کرد، زری تصمیم گرفت به همکاری دیگران، کار یوسف را ادامه دهد.

«حجاب چهره‌ی جان» عنوان مقاله‌ی مفصلی از حمید دهباشی در تحلیل و کالبدشکافی چهره‌ی زری در سووشون است. نویسنده در جست‌وجوی طولانی و دقیق خود می‌خواهد بداند که زری کیست؟



چیست؟ به که می‌اندیشد: خود یا غیر خود؟ خود زری، خودِ خودِ زری از کجاست و چه چیز است و به کدامین قبله روی دارد؟ منطق و خشم، عقل و عاطفه‌ی زری کجاست؟ انسان است یا ملعبه‌ی حوادث؟ در پایان حمید دباشی به این نتیجه می‌رسد که تحوّل زری در پایان داستان و پس از مرگ یوسف، تحوّل‌ی از یک زن سنتی و به قول یوسف از یک «مترسک سر خرمن» به یک زن کاملاً آگاه نسبت به حقیقت خود نیست؛ بلکه منحل در خود دیگری است: تناسخ کامل، حلول یوسف انقلابی و پشتیبان مظلومان و وطن-پرست و ستیزنده با ظالمان و بیگانگان و بیگانه‌پرستان در زری. (دهباشی، ۱۳۸۳: ۱۲۴۶)

بدین ترتیب او در جست‌وجوی خود، به خود نرسیده است و حرف آخر از زبان یوسف اما در دهان زری است: «به قول یوسف نباید یک شهر، خالی خالی از یک مرد باشد.» (دانشور، ۱۳۸۸: ۳۰۵) آنچه مسلم است این است که دانشور، شخصیت‌های داستان‌هایش را از هر کدام از طبقات که باشند، از آدم-های دور و بر خودش انتخاب می‌کند. برای مثال در «سووشون»، توصیف افسران و شخصیت‌ها از نوع توصیفات رئالیستی است:

«در سال‌های (۱۳۲۱-۲۲ش/۱۹۴۳-۴۴م) در شیراز تا بخواید سربازان هندی پلاس بودند و تعداد زیادی افسران انگلیسی، اسکاتلندی و ایرلندی. اما نه آمریکایی و نه روسی. ما هم از خانواده‌ای بودیم که دعوت‌های سطح بالا از ما می‌شد. در این مهمانی‌ها، افسران خارجی زیادی دعوت می‌شدند... مدرسه‌ای که ما می‌رفتیم مدیره‌اش و بیشتر معلّم‌هایش انگلیسی بودند... ضمناً ما به ایل قشقایی زیاد می‌رفتیم. پدرم دکتر ایل بود...» (دانشور، ۱۳۷۳: ۱۷)

احساس شاعرانه در آثار او نیز جریان یافته و اکثر شخصیت‌هایی که مورد توجه او بوده‌اند، شعر و قصه نیز می‌گویند. این شاعرانه بودن، پیوند عمیقی با دمخوری و همساز بودن او با طبیعت دارد و خود نویسنده نیز به آن معترف است. از این‌رو شخصیت‌های وی نیز کمابیش این حالت را دارند. زری زندگی‌اش را در باغ خود و با طبیعت می‌گذراند. در سرتاسر کتاب، عطر بهار نارنج و لیمو و عرق‌های گیاهی احساس می‌شود و زری برای درمان سردرد و یا کسالت خود از عرق‌های گیاهی و آب‌لیمو استفاده می‌کند. نمونه‌ی دیگر از نشانه‌های بارز طبیعت‌گرایی در رمان‌های سووشون و ساربان سرگردان سیمین دانشور به چشم می‌خورد. در سووشون، پیرمرد عرق‌گیر به اتفاق سه پسرش، انبوهی گل بهار نارنج را به وسط حیاط خانه‌ی یوسف آورده‌اند و اینک: «زری می‌اندیشد که چرا پیرمرد، پسرهایش را زن

نمی‌دهد؛ درحالی که موقع زن دادنشان است. بعد فکر کرد که آدم‌هایی که با این همه گل سروکار دارند، چه لزومی دارد زن بگیرند؟» (دانشور، ۱۳۷۳: ۴۰)

۳-۳- درون‌مایه رئالیستی آثار دانشور

انسانی که نویسنده‌ی رئالیسم به تصویر می‌کشد، از خاستگاه اجتماعی خاص و دوره‌ی تاریخی ویژه- ای برخوردار است و تضادها و تعارض منافع اجتماعی را که منشأ کنش اجتماعی آنان است، برجسته و آشکار می‌سازد. در واقع هر نویسنده‌ی رئالیستی از جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص خود برخوردار است. زاویه‌ی دید او به حوادث و واقعیت‌های اجتماعی و درک و تفسیر او از زندگی اجتماعی و تاریخ، بازتاب تلقی او از مبارزه‌ی اجتماعی زمانه است که خود او نیز به روش مشاهده همراه با مشارکت (در جامعه‌شناسی) در میدان‌های زندگی حضور دارد. نویسنده‌ی داستان رئالیستی به دنبال آگاهی و معرفت به مسائل اجتماعی، اثر و جهان داستانی خود را خلق می‌کند. سوشون هرچند از چشم‌انداز یک زن روایت می‌شود، سرگذشت این زن و ماجراهایی که در خانه‌ی او اتفاق می‌افتد، در سیر روایی داستان به سرگذشت مردم ایران و کشور ایران پیوند می‌خورد. درون‌مایه‌ی رمان سوشون نیز چندوجهی است؛ هم از مسائل زنان سخن می‌گوید و هم از مبارزه‌ی ملی و آزادی‌خواهانه. (عبادیان، ۱۳۷۱: ۶۳)

داستان درباره‌ی یوسف‌خان و زری، همسر اوست و در شیراز روی می‌دهد؛ شیراز در سال‌های آغاز جنگ دوم جهانی. زری، همسر یوسف نیز زنی تحصیل کرده است و آرمان‌های اجتماعی دارد، ولی با تندروی‌های شوهرش موافق نیست. در طول مبارزه‌ی شوهرش مدام در هراس به سر می‌برد و دلش گواهی می‌دهد که او در این نبرد کشته خواهد شد. جدال آرام و پنهانی زری و یوسف، داستان را به پیش می‌برد. «هنر نویسنده در این است که تأثیر مبارزه‌ای را که به هر حال در آن شرایط، خطرآفرین است، در متن زندگی خانواده و زن ایرانی نشان می‌دهد.» (دستغیب، ۱۳۸۳: ۱۰۱) یوسف، شوهر زری، علی‌رغم هشدارها و اعلام خطرها، در حفظ موضع خود سماجت می‌کند و به تیرناشناسی کشته می‌شود. زری پس از کشته شدن همسرش متحول می‌شود و درستی اهداف او را تصدیق می‌کند.

وقایع «جزیره‌ی سرگردانی»، رمان بعدی سیمین دانشور، در دهه‌ی ۱۳۵۰ش/۱۹۷۲م رخ می‌دهد. مسأله‌ی زن و شخصیت او و رابطه‌اش با مرد و جامعه، یکی از مضمون‌های ضمنی داستان است و نه تنها به صراحت در باب حقوق فردی و اجتماعی و استثمار و آزادی او در کتاب بحث می‌شود؛ بلکه طی

حوادث داستان، برخی از شخصیت‌های زن و بیش از همه شخصیت «هستی» در تقابل و ارتباط با محیط مردانه‌ی جمعی و فردی شکل می‌گیرد.

شخصیت محوری داستان، دختری است به نام هستی که پدرش، حسین نوریان، از مبارزان ملی شدن صنعت نفت بوده و در تظاهرات برای حمایت از مصدق کشته شده است. مادر هستی (عشرت) متعاقباً با مردی به نام احمد گنجور ازدواج می‌کند. هستی نزد مادر بزرگ پدری خود بزرگ می‌شود و سپس به دانشگاه راه می‌یابد و مانند اکثر دانشجویان آن دوره به سیاست روی می‌آورد. آشنایی هستی با دنیای مبارزات سیاسی از طریق دانشجوی دیگری به نام مراد رخ می‌دهد که چپ‌گرا و رادیکال است. هستی در عین حال مایل به ازدواج با مراد است؛ اما مراد پرداختن به مبارزه‌ی سیاسی را به ازدواج و سروسامان دادن به زندگی شخصی ترجیح می‌داند. مادر او با زن دیگری به نام خانم «فرخی» آشنا می‌شود و پسر او به نام «سلیم» را برای ازدواج با هستی معرفی می‌کند. سلیم هم اهل مبارزه‌ی سیاسی است، اما برخلاف مراد، فردی متدین، عارف مسلک و فرزند خانواده‌ای متمول است. هستی به‌رغم تمام تفاوت‌هایی که بین افکار خود و سلیم می‌بیند، در نهایت به سلیم متمایل می‌شود و جلد اول رمان با این ازدواج به پایان می‌رسد.

«ساریان سرگردان»، اثر دیگر سیمین دانشور، ادامه‌ی همین داستان است؛ به این ترتیب که هستی به دلیل ارتباط با مراد و دوستانش به زندان می‌افتد و سلیم از او جدا می‌شود و با دختر دیگری به نام «نیکو» ازدواج می‌کند. در ادامه‌ی داستان، مراد و هستی به «جزیره‌ی سرگردانی» تبعید می‌شوند و به کمک ناپدری هستی، از این جزیره فرار می‌کنند و به این ترتیب زندگی عادی را از سر می‌گیرند. این دو سپس با یکدیگر ازدواج می‌کنند و صاحب یک فرزند پسر می‌شوند. رمان با شروع جنگ ایران و عراق و رفتن مراد به جبهه خاتمه می‌یابد.

دنیای دانشور، دنیای زنان است. دانشور حتی بیشتر از زنان نویسنده‌ی دیگر از قهرمانان زن در داستان‌هایش استفاده می‌کند. از ۲۷ داستان دانشور، شخصیت اول هفده داستان او، زن است و داستان‌های دیگر که مردان نقش اصلی را برعهده دارند، داستان رابطه‌ی مردان با زنان است. بر اساس گفته‌ها و نوشته‌های سطور قبل، هستی ادامه‌ی زری است و او در واقع به دنبال پاسخی برای پرسش‌های ذهنی جست‌وجوگرش در دنیای مدرن است. او با تردید به انتظارات جامعه از افراد و درونی کردن و توجیه آنان برای خودشان می‌نگرد. این هست شدن او موقعی اتفاق می‌افتد که در بحث با دیگری است. او در چالش با جهان پیرامون و مسائل آن رشد می‌کند، تردید می‌کند و تعالی می‌یابد. هستی، دختری است که

آرامش را کنار مرد جست‌وجو می‌کند. این شناخت دقیق دانشور از زن و روان‌شناسی زنانه است، به طوری که در مجموع روح زنانه‌ی اثر، چشم را می‌نوازد.

زنان دانشور، تقدیر مادرانشان را زندگی می‌کنند. گویی زندگی آنان، چیزی جز تکرار سرنوشت یکدیگر نیست. مادر هستی، شوهر مبارزی داشته که در راه حراست از جان یک رهبر ملی جان باخته است. بعد با یک مرد پولدار ازدواج کرده است. اینجا هستی نیز درست در موقعیت مادرش قرار می‌گیرد؛ اما این بار هستی، مراد را به نفع سلیم رها می‌کند. هستی در واقع به تعریف جامعه، یک دختر غیر عادی نیست، سیاسی نیست، هنرمند نیست. او اینها را برای رسیدن به آرزوهایش، دستمایه‌ی خویش قرار می‌دهد و بی‌آنکه از درون متحول شود و به استقلال برسد، به نقشه‌های مادرش تن می‌دهد. و این بیانگر گم شدن یا انفعال عنصر مادینه در همه عرصه‌هاست. انگار زن می‌خواهد با روحیه‌ای مردانه پا به عرصه میدان نهد.

دانشور، زندگی را با مشکلاتش می‌پذیرد. حساسیت خاصی در برخورد با زندگی ندارد و با صبوری یک زن ایرانی به مسائل می‌نگرد. او دنیا را مطلوب و ایدئال نمی‌بیند؛ اما آن را سراسر لبریز از بدی و زشتی هم نمی‌بیند. در مقابل مصائب، صبر را توصیه می‌کند و صبر و رنج را لازم‌ترین اجزای زندگی می‌داند. به مردم و کارهایشان بدبین نیست. قهرمانان منفی در داستان‌های دانشور، بسیار کم و معدودند و آنانی که وجود دارند هم کریه و منفور و دارای خصلت‌های پلید غیر انسانی نیستند؛ بلکه آدم‌هایی عادی‌اند که به خاطر منافعشان و برنامه‌های زندگی‌شان با دیگران تفاوت دارند. حتی در بسیاری موارد نمی‌توان گفت که شخصیت منفی به حساب می‌آیند.

زری، شخصیت اصلی رمان سووشون، زن معمولی و عادی و عهده‌دار امور داخلی خانواده است؛ معصوم و حرف‌شنو و اسیر زندگی خانوادگی است. زری، قهرمان این قصه، نمونه‌ی زنی است که در ادبیات با آن مواجه هستیم. او راه شوهرش (یوسف) را ادامه می‌دهد. دانشور هر جا توانسته، از زن تمجید کرده است. برای نمونه سلیم، مطالبی را از دفتر یادداشتش برای هستی می‌خواند: «ای لایتناهی! تو کیستی؟ آیا تو هسته‌ی اتمی که الکترون‌ها گرداگردت در حرکتند؟ آیا به علت انفجار یک اتم مادر، که تو بوده‌ای، حیات آغاز شده است؟... هستی فقط به این اکتفا کرد که بگوید: پس خدا زن است. اما سلیم می‌گوید: «خداوند ورای جنسیت است.» (دانشور، ۱۳۸۰: ۳۶-۳۷) زن بیشترین سهم را در پرورش فرزندان دارد و باغبان باغ زندگی است. سلیم اعتقاد دارد زن‌ها وجودی گرمابخش دارند: «زن چه

موجودی است که ما مردها به او پناه می‌بریم و در گرمای او و در هاله‌ی گرداگرد او، زندگی یخ کرده‌ی خود را... گرم می‌کنیم.» (همان: ۴۱-۴۲)

درون‌مایه‌ی اصلی هر سه رمان دانشور، (سووشون، جزیره‌ی سرگردانی و ساربان سرگردان) نشان دادن وضعیّت زن در عصر مدرن است. «بیشترین دغدغه‌ی فکری دانشور را زن و مشکلات زنان به خود اختصاص داده است. دانشور به‌عنوان یک نویسنده‌ی زن سعی داشته است ظلم‌ها، گرفتاری‌ها، جهل و خرافاتی را که در ایران بر زنان رفته و می‌رود، نشان دهد و بیشتر شخصیّت‌های آثارش را زنان تشکیل می‌دهند. دانشور اگر به مردان پردازد، به آن‌ها از دریچه‌ی چشم زنان می‌نگرد. مردان در آثار او در ارتباط با زنان معنی پیدا می‌کنند. زنان خانه‌دار، کلفت‌ها، معلمان مدارس و دانشگاه، هنرپیشه‌ها و... زنان داستان‌های دانشور را تشکیل می‌دهند. بیشتر زنان داستان‌های دانشور با وجود تحصیلات دانشگاهی، دغدغه‌های عادی زنان خانه‌دار را دارند.» (عبدالهیان، ۱۳۷۹: ۷۳)

۳-۴- نمود شخصیّت خود نویسنده

اگر نویسنده، سایه‌روشنی از زندگی خود را در داستان بازتاب دهد، در واقع به داستان رنگ و بوی رئالیستی می‌بخشد. نویسنده‌ی رئالیست با این عمل، «خود اجتماعی خود را... طی داستان نشان می‌دهد.» (ر.ک: دهقان، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۸) برای نمونه در آثار متأخر سیمین دانشور، (ساربان سرگردان و جزیره‌ی سرگردانی) زندگی قهرمانان بهانه‌ای است برای از خود گفتن و در واقع دانشور می‌کوشد با تبدیل «من» شخصی خویش به «او» به‌عنوان شخصیّت داستانی، از دل خاطره و تاریخ بر اساس واقعیّت زندگی اجتماعی، داستان پدید آورد. دانشور در بازتاب جهان زنانه‌ی شخصیّت‌های داستانی و زندگی درونی و همچنین روابط شخصی و عاطفی آنان موفق بوده است. «توجه به زن‌ها و پرداختن به زندگی آنان، پیش از او تا به این حد در ادبیات داستانی ایران سابق نداشته است.» (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۱۹۵)

دانشور با نزدیک ساختن خود به برخی از شخصیّت‌های داستان به‌ویژه شخصیّت‌های زن داستان، بیشتر درصدد نشان دادن حالات روحی و افکار و عقاید این شخصیّت‌ها بوده و از زبان و ذهن آنان، دلبستگی-ها، دغدغه‌ها و آرمان‌ها و در یک جمله، ذهنیّت و اندیشه‌ی خود را نمایان ساخته تا از این طریق هم هویت حقیقی خویش را به‌عنوان یک زن به اجتماع شناسانده، هم کمک نمایند تا خوانندگان این آثار، چه مرد و چه زن، به درک و شناخت بهتری نسبت به جایگاه واقعی زن در اجتماع برسند و از هرگونه پیش‌داوری، تعصب، سطحی‌نگری و مطلق‌گرایی درباره‌ی شخصیّت زن بپرهیزند. آنچه مسلم است این

است که دانشور، شخصیت‌های داستان‌هایش را از هر کدام از طبقات که باشند، از آدم‌های دور و بر خودش انتخاب می‌کند. وی درباره‌ی رمان سووشون می‌گوید: «همان «بی‌بی همدم» که در سووشون هست، وجود واقعی داشت و همین اخیراً فوت شد... مثلاً «مک‌ماهون» که در سووشون هست، در هاروارد دیدمش که ایرلندی بود.» (دانشور، ۱۳۷۳: ۱۳۸)

در رمان سووشون، دانشور در شخصیت زری حلول می‌کند و به روایت داستان می‌پردازد. «شخصیت زری فقط آگاه به درون و احساسات خودش است و خواننده را از احساسات و افکار خود نسبت به شخصیت‌های دیگر رمان آگاه می‌کند. به عبارت دیگر خواننده از طریق احساسات و افکار زری است که شخصیت‌های دیگر رمان را می‌شناسد و اگر تفسیر و توضیحی نسبت به شخصیت‌ها و وقایع صورت می‌گیرد، از طریق همین شخصیت است.» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۴۰۱)

دانشور خود در یادداشتی درباره‌ی انعکاس حالات و روایات شخصی‌اش در داستان‌هایش چنین می‌نویسد: «اما چرا خودم را هم قاطی کرده‌ام؟ می‌خواسته‌ام تکلیفم را با خودم یکسره کنم و دانای کل نباشم که قهرمان‌هایم را همچون عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی به حرکت در بیاورم. در بیشتر رمان‌ها آشکار است که شخص نویسنده حضور دارد؛ منتها نه با اسم و رسم. این سنت را شکستم و خودم را با اسم و رسم و حتی پیشه‌ام، همانند پیازی ضمن میوه‌ها جا زدم؛ یعنی هم تماشاگر شدم، هم بازیگر... تنها حرفی که خودم می‌توانم بزنم این است که به مادر بزرگ (توران‌جان) آن‌گونه پرداخته‌ام تا مرا به سر جایم بنشانند.» (دانشور، ۱۳۷۲: ۸۲)

زری در سووشون بر همه وقایع، رنگی از خویش می‌زند؛ وقایعی که قبل و بعد از مرگ یوسف اتفاق می‌افتد. زری درباره‌ی وقایع اظهارنظر می‌کند. خواننده‌ی امروزی نمی‌تواند بین زری به‌عنوان شخصیت داستان و سیمین دانشور، تفاوت چندانی قائل شود. این مسأله با توجه به شباهت ویژگی‌های زری در داستان با ویژگی‌های دانشور در زندگی شخصی‌اش تشدید می‌شود. یوسف، شخصیت اول رمان سووشون، ویژگی‌هایی از شخصیت آل‌احمد را در خود دارد. این ویژگی‌ها عبارتند از: عصبی، سرسخت و سازش‌ناپذیر بودن. حتی آنان از جهت شکل ظاهری نیز بی‌شباهت به یکدیگر نیستند. زری، شخصیت دوم رمان، گویی خود سیمین است، منتها سیمین خانه‌دار. زری همچون سیمین خواستار دنیایی آرام است و درگیری‌های اجتماعی - سیاسی شوهرش، او را به‌شدت تحت فشار قرار می‌دهد. بچه‌های شیرین زری

در واقع تجلی آرزوی تحقق‌نیافته‌ی سیمین برای بیچه داشتن است. به گفته‌ی خود سیمین، عبدالله خان، یکی از شخصیت‌های فرعی رمان، محمدعلی خان دانشور، پدر اوست. (۱۶۰: ۸)

۳-۵- انعکاس زندگانی شخصیت‌های حقیقی

این امر، یکی از شاخصه‌های رمان رئالیستی است. یکی از سرآمدان اولیه‌ی رئالیسم اجتماعی، گوستاو فلوبر است. او در شاهکار خود مادام بوواری، قهرمان خود را مانند مثال‌های واقعی‌شان در اجتماع، زندگی بخشیده و سپس آن‌ها را تا دم مرگ همراهی کرده است (سیدحسینی، ۱۳۹۲: ۲۸۱).

«ضمناً ما به ایل قشقای زیاد می‌رفتیم، پدرم، دکتر ایل بود. بنابراین با ایل روابط دوستانه داشتیم. همان «بی‌بی همدم» که در سووشون هست، وجود واقعی داشت و همین اخیراً فوت شد... مثلاً «مک‌ماهون» که در سووشون هست، در هاروارد دیدمش که ایرلندی بود.» (دانشور، ۱۳۷۳: ۱۷). دانشور خود نیز اقرار می‌کند: «در سووشون دانستم که خانم مسیحادم، الگویی از مادرم است و دکتر عبدالله‌خان، نموداری از پدربزرگم که هرگز ندیدمش.» (ریاحی، ۱۳۶۵: ۴۶)

۴- نتیجه‌گیری

رئالیسم نه تنها در قلمرو ادبیات داستانی ایران، بلکه در ادبیات داستانی جهان، بیش از سایر مکتب‌های ادبی ظهور و بروز داشته است. ادبیات داستانی ایران از همان نخستین نمونه‌های خود نشان‌دهنده‌ی توجه نویسندگان به رئالیسم در ساختار رمان‌ها و داستان‌هایشان است. با شکل‌گیری انقلاب مشروطه و دگرگونی‌های مترتب بر آن و توجه عمده به نقش و کارکرد رسالت و تعهد اجتماعی اثر ادبی، رئالیسم در کانون توجه اغلب نویسندگان قرار گرفت.

در این میان سیمین دانشور به‌عنوان بانوی داستان‌نویسی در ایران، آثار داستانی خود را با تأکید بر قواعد رئالیسم پدید آورده است. از این نظر، بیشتر مؤلفه‌های اصلی مکتب رئالیسم در آثار دانشور جلوه‌گر شده است. او توانست با مهارت نویسندگی خود، این عناصر و مؤلفه‌ها را به شکلی هنری در آثار خود ارائه کند. شخصیت‌پردازی، توصیف، زبان و درون‌مایه در آثار داستانی دانشور از مؤلفه‌های رئالیسم پیروی می‌کند.

سیمین دانشور با شیوه‌ی هنری به‌بازنمود وقایع می‌پردازد و در هر مرحله از بیان مباحث، نشانه‌هایی از واقع‌گرایی را چنان نمودار می‌سازد که احتمال تخیلی یا غیر واقعی بودن را از ذهن خواننده دور می‌کند. حاصل این تلاش این است که مؤلفه‌هایی مانند شخصیت‌پردازی، تشریح جزئیات وقایع، به کارگیری نثر

محاوره در نوشتار و به ویژه مباحثی چون فقر و تنگدستی، ظلم و تبعیض در میان مردم و ستم به زنان، بسامد بالایی دارد و جزء دردناک‌ترین مؤلفه‌های رئالیسم به شمار می‌رود.

در آثار داستانی دانشور اغلب شخصیت‌ها واقعی هستند و از میان اجتماع اطرافش انتخاب شده‌اند و جدایی‌های آنان به خاطر قدرت نویسنده در بیان شرح حال زندگی‌شان است، نه انجام کارهای تخیلی. دانشور ضمن ارائه‌ی صحنه‌های داستان، اطلاعاتی به خواننده می‌دهد تا او را با فضای داستان بهتر آشنا نموده، با خود همراه نماید. دانشور توانسته و کوشیده است تا واقعیت‌ها و آلام و آمال شخصیت‌های طبقات مختلف اجتماع را در آثار خود همان‌گونه که هست، نشان دهد. شخصیت‌های خلق‌شده در آثار دانشور، از جایگاه ذهنی، عینی، واقعی و پذیرفتنی در اجتماع، خانواده، فرهنگ و باور جامعه برخوردارند. دانشور از مردم اطراف خود به عنوان مواد و مصالح و از نثر به مثابه ابزار کارآمد بهره برده است و داستان را با زبانی ساده و روان، شفاف و عاری از پیچیدگی و صناعات ادبی روایت کرده و برای روایت داستان از اصطلاحات، واژه‌ها، تعابیر و ضرب‌المثل‌های عامیانه بهره گرفته است. خاستگاه اجتماعی و خواسته‌های درونی و نوع شخصیت دانشور در نوع و نحوه‌ی آفرینش شخصیت‌های داستان‌هایشان مؤثر بوده است.

منابع و مآخذ:

- آلتوت. میریام، (۱۳۸۰)، «رمان به روایت رمان‌نویسان»، ترجمه‌ی علی‌محمد حق‌شناس، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- احمدی، بابک (۱۳۷۴)، **توردید**، تهران: مرکز.
- اکبری بیرق، حسن (۱۳۸۸)، «روایت واقع‌گرا در آثار داستانی ابراهیم گلستان»، **تاریخ ادبیات**، ش ۶۲: ۵-۸.
- بصیری، محمدصادق و دیگران (۱۳۹۳)، «نقد و تحلیق رئالیسم در ادبیات داستانی ایران»، **پژوهش‌نامه‌ی نقد ادبی و بلاغت**، س ۳، ش ۱: ۱۴۳-۱۶۲.
- بهنام، مینا (۱۳۹۴)، «رهیافتی تطبیقی بر کاربرد زبان در دو مکتب رئالیسم و سوررئالیسم از رهگذر بررسی رمان سووشون و بوف کور»، **فصل‌نامه‌ی زبان‌پژوهشی دانشگاه الزهراء**، س ۷، ش ۳۲: ۷-۱۶.
- پاینده، حسین (۱۳۸۸)، «رمان رئالیستی یا سند اجتماعی؟ نگاهی به مدیر مدرسه آل احمد»، **جامعه-شناسی هنر و ادبیات**، س ۱، ش ۲: ۶۹-۹۸.

- پرهام، سیروس «میترا» (۱۳۳۶)، **رنالیسم و ضد رنالیسم**، تهران: نیل.
- پیک، جان (۱۳۹۷)، **شیوه تحلیل رمان**، ترجمه‌ی احمد صدارتی، تهران: مرکز.
- پورنامداریان، تقی و مریم سیدان (۱۳۸۸)، «بازتاب رنالیسم جادویی در داستان‌های غلامحسین ساعدی»، ش ۶۴: ۴۵-۶۴.
- خامه‌ای، انور (۱۳۸۳)، «**نگاهی کوتاه به آثار و زندگی سیمین دانشور**»، مندرج در «بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی»، چاپ اول، به کوشش علی دهباشی، تهران: سخن.
- دانشور، سیمین (۱۳۷۲)، «چرا جزیره‌ی سرگردانی؟»، **تکاپو**، ش ۷، دی و بهمن.
- (۱۳۷۳)، «نمی‌خواهم نویسنده‌ی تک‌اثر باشم»، **مجله‌ی گردون**، ش: ۳۷-۳۸.
- (۱۳۷۶)، «از پرنده‌های مهاجر پیرس»، تهران: کانون با همکاری نشر نو.
- (۱۳۸۰)، «به کی سلام کنم؟»، چاپ پنجم، تهران: خوارزمی.
- (۱۳۸۰ الف)، **ساربان سرگردان**، چاپ اول، تهران: خوارزمی.
- (۱۳۸۰ ب)، **جزیره‌ی سرگردانی**، چاپ سوم، تهران: خوارزمی.
- (۱۳۸۱)، «شهری چون بهشت»، چاپ هفتم، تهران: خوارزمی.
- (۱۳۸۸)، **سووشون**، چاپ شانزدهم، تهران: خوارزمی.
- دریایی، مهدی و محمدرضا اسعد (۱۳۸۷)، «نظریه‌ی رمان و تحلیل رنالیستی رمان کوتاه مدیر مدرسه»، **زیبایی‌شناسی ادبی**، دوره ۴، ش ۱۹: ۶۷-۱۰۰.
- دهباشی، علی (۱۳۸۳)، **بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی**، جشن‌نامه‌ی دکتر سیمین دانشور، چاپ اول، تهران: سخن.
- ریاحی، لیلی (۱۳۶۵)، «نامه‌ای به مادر بازیافته‌ام سیمین دانشور»، به نقل از **نیمه‌ی دیگر**، ویژه‌ی سیمین دانشور، ش پنجم، زمستان، مندرج در **بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی**.
- ریمون، شلومیت (۱۳۸۷)، **روایت داستانی**، ترجمه‌ی ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، **نقد ادبی**، چاپ چهارم، تهران: فردوس.
- سید حسینی، رضا (۱۳۹۲)، **مکتب‌های ادبی**، جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: نگاه.
- الشکری، فدوی (۱۳۸۶)، **واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر**، چاپ اول، تهران: نگاه.

- عبادیان، محمود (۱۳۷۱)، **درآمدی بر ادبیات معاصر**، تهران: گهر.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۷۹)، **کارنامه‌ی نثر معاصر**، چاپ اول، تهران: پایا.
- عسگری، عسگر (۱۳۸۷)، **نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی**، چاپ اول، تهران: فرزانه روز.
- غلام، محمد (۱۳۸۱)، **رمان تاریخی** (سیر و نقد تحلیل رمان‌های تاریخی فارسی ۱۲۸۴-۱۳۳۲)، چاپ اول، تهران: چشم.
- قانون‌پرور، محمدرضا (۱۳۶۵)، «با نقاب سیاه»، به نقل از «**نیمه‌ی دیگر**» ویژه‌ی سیمین دانشور، ش ۵، زمستان، مندرج در «بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی»، علی دهباشی، تهران: سخن.
- کوچکیان، طاهره و خاور قربانی (۱۳۸۹)، «بازتاب اجتماع و رئالیسم سوسیالیستی در سال‌های ابری اثر علی اشرف درویشیان»، **نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز**، ش ۲۲۰: ۸۵-۱۰۶.
- محمدلو، مهناز و نجمه نظری (۱۳۹۳)، «جزیره سرگردانی و مکتب رئالیسم»، **فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی دانشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی سندج**، س ۶، ش ۲۰: .
- مسجدی، حسین (۱۳۸۹)، «رئالیسم جادویی در آثار غلامحسین ساعدی»، **متن‌شناسی ادب فارسی**، ش ۸: ۹۳-۱۰۶.
- معتمدی آذر، پرویز (۱۳۸۴)، «جهان‌بینی رئالیسم» **پژوهش ادبیات معاصر جهان**، ش ۲۳: ۷۹-۹۲.
- ممتحن، مهدی و ایران لک (۱۳۹۲) «تحلیل تطبیقی دو مکتب واقع‌گرایی و نمادگرایی در آثار نجیب محفوظ و احمد محمود»، **مجله**، دوره‌ی ۳، ش ۱۲: ۱۴۷-۱۷۴.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۳)، «سیمین دانشور و قصه‌نویسی»، در: **داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران**، جمال میرصادقی، تهران: اشاره، ۱۳۸۲، مندرج در «بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی»، علی دهباشی، تهران: سخن.
- (۱۳۸۱)، **داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران**، تهران: اشاره.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۶)، «**فرهنگ داستان‌نویسان ایران از آغاز تا امروز**»، چاپ اول، تهران: چشمه.
- موام، سامرست (۱۳۷۷)، **درباره رمان و داستان کوتاه**، ترجمه‌ی کاوه دهگان، تهران: امیرکبیر.



– والاس استگنر، فرزانه میلانی (۱۳۸۳)، «سلامی گرم به سیمین دانشور»، در: «نیمه‌ی دیگر» ویژه‌ی سیمین دانشور، ش ۵، زمستان ۱۳۶۵، مندرج در «**بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی**»، علی دهباشی، تهران: سخن.

– ولک، رنه (۱۳۷۷) **تاریخ نقد ادبی**، ترجمه‌ی سعید ارباب شیروانی، ج ۴، تهران: نیلوفر.

– The Oxford Companion to American Literature, James D. Hart, ۵, ۱۱ editions, Oxford University Press, ۱۹۸۳.

Analysis of the Components of Realism in the Works of Simin Daneshvar

Bitaghbari¹ 

Olumjon Khojamurodov² 

DOI: 10.22080/RJLS.2022.23634.1312

Abstract

Realism refers to the specific literary current of the nineteenth century which is also used as a style of storytelling. Realism reflects life, as much as possible, in the world of fiction. Instead of dramatizing or making the story more romantic, literary realism tries to tell it as realistically as possible. Many features of the school of realism are also evident in the works of the first generation of Iranian novelists, including Simin Daneshvar. As the first Iranian female novelist, Daneshvar has written three novels called "Savushun", "Island of Wandering" [Jazire-ye Sargardāni] and "Wandering Cameleer [Sāreban-e Sargardān]. The aim of this research is to examine the details and elements in the novel and to deduce its exact aspects to discover their realistic components and how they are adapted according to the social reality. In the present article, an attempt has been made to reflect on the components of realism in the fictional works of Daneshvar, in the two sections of sociopolitical, economic and cultural issues of Iran and the personal life of the author. In these stories, features such as the use of slang (appropriate for social class), accurate staging and realistic characterizations are examined. Attention to the abovementioned points has led Daneshvar to be known as a realist writer; an author who in her works has depicted the individual and social life of Iranians in decades of Iranian history.

Keywords: Realism, Story, Social Reality, Simin Daneshvar, Savushun.

Extended Abstract

Introduction

One of the most important branches of the school of realism is literary realism, in which fictional literature emerges. This field has been the subject of many works of world literature. In Iran, several examples of this school have emerged in fiction. Each of these works has a special literary

¹ Corresponding author: PhD in Persian Literature, Assistant professor of Babol Medical Science University, Babol, Iran. Email: bitaghanbari53@gmail.com

² PhD. Science Academy, Tajikistan.

and historical significance. Numerous writers in Iran have followed realism and its principles in their works to the extent that even the emergence of new fiction in Iran has been associated with realism. In this regard, the examination of the effects and components of realism in the fictional works of Iranian writers will clarify important points about the literary level and historical value of each literary work and play an important role in analyzing the personal style of writers. "Modern fiction is an immigrant which has not lived in this land for more than a hundred years. Of course, this period is not a short period in the history of literature, especially since this period is considered as one of the most important periods in contemporary history due to significant changes in the field of society, culture and literature" (Mir Abedini, 2007): 7). Realism has emerged, more than any other school of literature, not only in the realm of Iranian fiction but also in the world of fiction. Iranian fiction, from its earliest examples, shows the authors' attention to realism in the structure of their novels and stories. With the formation of the Constitutional Revolution and its subsequent changes and the main attention to the role and function of the mission and social commitment of the literary work, realism became the focus of most writers. Critical realism of the constitutional period and beyond, with the spread of socialist ideas, gradually became to some extent inclined to Iranian socialist realism, and many writers, especially in the twentieth century, wrote most of their stories influenced by its teachings.

Daneshvar is undoubtedly one of the most capable female novelists in Iran, who had been writing for about seven decades and had been exposed to political, cultural and literary developments during these long years. During a noticeable time of her life, she was with her spouse, Jalal Al-Ahmad, and the presence and influence of these two people in the context of the literary and intellectual currents of their time is unforgettable. All these factors have caused her life to have its own characteristics that are one of a kind. Meanwhile, Simin Daneshvar has created her fictional works based on the rules of realism as an Iranian female novelist. From this point of view, most of the main components of the school of realism have been reflected in Daneshvar's works, and she was able to present these elements in her works in an artistic form with her writing skills. Characterization, description, language and theme in Daneshvar's fictional works follow the components of realism. Examining

each of these elements in her works and explaining the similarities of the elements of this school in her works show that the school of realism has a special effect on Iranian fiction and the characteristics of realist fiction in Iran can be accurately studied through a scientific method. In the process of development, life and thoughts of Daneshvar, there is a kind of balance and cautious attention to issues that can also be derived from her expedient and conservative mentality. However, the works of this author can be a mirror to the whole society in specific periods.

Research Methodology

The method of this research is descriptive-analytic. We intend to examine the details and elements in the novel and deduce precise aspects to discover their realistic components and the way they are adapted to social realities.

Research Findings

Among the components of realism, characterization, description, language and realistic themes are more prominent in Daneshvar's works, which are studied and explained. Realistic characterization: Daneshvar has experienced two types of life from two different classes, but she had always been acquainted with the educated, intellectuals and great men of science and literature. These class experiences have influenced the works and characters of her stories, as she herself says. "I have experienced both wealth and poverty. I know how easily the former can corrupt a person and the latter is terrifying. I know how easily poverty dries up the source of genius".

Realistic description: What is certain is that Daneshvar chooses the characters of her stories from whatever classes they belong to, people from far and near. In *Savushun*, for example, the descriptions of officers and personalities are realistic.

Realistic language: Daneshvar's stories are told in simple and clear language, and they also are free from complexity and literary craft. To narrate the story, she uses slang terms, interpretations and proverbs and approaches prose in the language of the audience. As a result of her tendency for clear expression in her fiction, language has a referential function in the first place. Daneshvar avoids virtual descriptions and instead relies on objective and direct recording of events. Characters in Daneshvar's story speak the street language, which makes the story, to a certain degree, real and natural. In the following examples, Daneshvar has

used slang terms and proverbs: In Savushun, e.g., Zari turns to prayer, vows and needs in the hope of achieving her heart's desires.

Theme: Although Savushun is narrated from the perspective of a woman, the story of this woman and the adventures that take place in her house are linked to the story of the people and the country of Iran. The theme of Savushun is also multidimensional. It tells about both women's issues and the national and liberation struggles.

Display of the author's own personality: The lives of heroes are an excuse to express themselves, and Daneshvar, in fact, tries to turn her personal "I" into "She". As a fictional character, she created a story based on the reality of social life from the heart of memory and history.

Reflection on the lives of real characters: Daneshvar herself confesses: "In Savushun, I knew that Ms. Mesihad was inspired by my mother, and Dr. Abdullah Khan was a diagram of my grandfather that I had never seen.

Simin Daneshvar represents events artistically and at each stage of the discussion, shows signs of realism in a way that the possibility of being imaginary or unreal is removed from the reader's mind. The result of this effort is that components such as characterization, detailed description of events, the use of conversational prose in writing, and especially topics such as poverty, oppression and discrimination among people and oppression of women have a high frequency and are among the most painful components which are considered realistic. In Daneshvar's fiction, most of the characters are real and have been selected from the community around them, and their attraction is due to the author's power to express their life story, rather than doing imaginary works.

Conclusion

Realism not only is in the realm of Iranian fiction but it is also emerging in the fictional literature of the world more than other literary schools. From the very first example of its literature, Iranian fiction shows the authors' attention to realism in the structure of their novels and stories. In the form of the Constitutional Revolution and its consequences, due to the role and function of social mission in literary work, realism was considered by some writers. In the meantime, Daneshvar, as a female novelist in Iran, has created her fictional works with an emphasis on the image of realism. From this point of view, most of the main components of the school of realism have been reflected in Daneshvar's works, and Daneshvar was able to

present these elements in her works in an artistic form with her writing skills. Characterization, description, language and the theme in Daneshvar's fictional works follow the examples set by realistic authors. Daneshvar represents the events artistically and at each stage of the discussion, she shows signs of realism in a way that the possibility of being imaginary or unreal is removed from the reader's mind. The result of this effort is that components such as characterization, detailed description of events, the use of conversational prose in writing, and especially topics such as poverty, oppression and discrimination among people and oppression of women have a high frequency and are among the most painful components, which are considered realistic. In Daneshvar's fiction, most of the characters are real and have been selected from the community around them, and their attraction is due to the author's power to express their life story, not to do imaginary work. Daneshvar, while presenting the scenes of the story, gives information to the reader to acquaint him better with the atmosphere of the story and to accompany him. Daneshvar has used the people around her like materials as an effective tool to reflect the social world in the world of fiction and provide a copy and image of social reality, and tell the story in a simple, fluent, clear and free language. She has narrated the complexity and literary crafts and has used slang terms, words, interpretations and proverbs to narrate the story. Examining each of these elements in the works of Daneshvar and explaining the similarities of the elements of this school in her works shows that the school of realism has a special effect on Iranian fiction and Daneshvar's works. Also, it can be accurately characterized, classified and analyzed by the characteristics of realist fiction in Iran.

Funding

There is no funding.

Authors' Contribution

The authors contributed equally to the conceptualization and writing of the article. All of the authors approved of the content of the manuscript and agreed on all aspects of the work.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.

Acknowledgments

We are grateful to all the scientific consultants of this paper.

Resources

- Alut, Miriam, (2001), "Novel narrated by novelists", translated by Ali Mohammad Haghshenas, second edition, Tehran: Markaz Publishing. (In Persian).
- Ahmadi, Babak, (1374) Doubt. Tehran: Markaz Publishing.
- Akbari Biragh, Hassan, (2009), "Realistic Narration in the Fiction Works of Ebrahim Golestan", History of Literature, pp. 62: 5-8. (In Persian).
- Basiri, Mohammad Sad, Mohammad Reza Sarfi and Ali Taghavi, (2014), Critique and Analysis of Realism in Iranian Fiction ", Journal of Literary Criticism and Infidelity, Volume 3, Number 1: 162-143. (In Persian).
- Behnam, Mina, (2015), A Comparative Approach to the Use of Language in the Two Schools of Realism and Sur Realism through the Study of the Novel of Suvshun and the Blind Owl, Al-Zahra University Research Language Quarterly, Seventh Year, No. 16: 32-7. (In Persian).
- Payandeh, Hossein, (2009), "A realist novel or a social document? A look at the director of Al-Ahmad School, Sociology of Art and Literature, first year. No. 2: pp. 98- 69. (In Persian).
- Parham, Cyrus "Mitra" (1336), Realism and Anti-Realism. Tehran: Nil Publications. (In Persian).
- Pak, Jan, (1397) Novel Analysis Method, translated by Ahmad Sadrati, Tehran: Markaz Publishing. (In Persian).
- Pournamdarian, Taghi and Seydan, Maryam, (2009), Spring. "Reflection of Magical Realism in the Stories of Ghala Mohsen Saedi", pp. 64: 45-64. (In Persian).
- Khameei, Anvar, (2004), "A brief look at the works and life of Simin Daneshvar", contained in "On the shore of the Jaziere-a-sargardani", first edition, by Ali Dehbashi, Tehran: Sokhan Publishing. (In Persian).
- Daneshvar, Simin, (2001), "Jaziere-a-Sargardani ", third edition, Tehran: Kharazmi Publications.
- Daneshvar, Simin, (1373), "I do not want to be a single writer", Gardoon Magazine, No. 38-37. (In Persian).

- Daneshvar, Simin, (1372), "Why the Island of Wandering?" Takapo, No. 7, January and February.
- Daneshvar, Simin, (2009), "Suvshun", 16th edition, Tehran: Kharazmi Publications. (In Persian).
- Daneshvar, Simin, (1997), "Ask Migratory Birds", Tehran: Kanoon Publishing in collaboration with No Publishing.
- Daneshvar, Simin, (2001) "To whom should I greet?" Fifth edition, Tehran: Kharazmi Publications. (In Persian).
- Danshour, Simin. (2001) "Wandering Sarban", first edition, Tehran: Kharazmi Publications. (In Persian).
- Daneshvar, Simin, (2002) "A city like paradise", seventh edition, Tehran: Kharazmi Publications. (In Persian).
- Daryaei, Mehdi and Asad, Mohammad Reza (2008), "Novel Theory and Realistic Analysis of the School Principal Short Novel", Journal of Literary Aesthetics, Volume 4, Number 19: pp. 67-100. (In Persian).
- Dehbashi, Ali. (2004). "On the shore of a wandering island", Dr. Simin Daneshvar's festival, first edition, Tehran: Sokhan Publications.
- Riahi, Lily, (1986), "A letter to my recovered mother Simin Daneshvar", quoting Simin Daneshvar's special "other half", number five, winter, contained in "On the shore of a wandering island. (In Persian).
- Raymond, Shalomit (2008) Narrative, translated by Abolfazl Hori. Tehran: Nilofarr. (In Persian).
- Shamisa, Sirus, (2004), "Literary Criticism", fourth edition, Tehran: Ferdows Publications. (In Persian).
- Seyed Hosseini, Reza, (2013), Literary Schools. Volume One, 17th Edition, Tehran: Negah Publications. (In Persian).
- The Oxford Companion to American Literature, James D. Hart, 5, 11 editions, Oxford University Press, 1983.
- Al-Shokri, Fadavi, (2007), Realism in Contemporary Fiction, Tehran: Negah Publishing. First Edition. (In Persian).
- Ebadian, Mahmoud, (1992), An Introduction to Contemporary Literature, Tehran: Gohar Publishing.
- Abdollahian, Hamid, (2000), "Contemporary Prose Record", first edition, Tehran: Paya Publications. (In Persian).
- Asgari, Asgar, (2008), "Social Critique of Contemporary Persian Novel", First Edition, Tehran: Farzan Rooz Publishing. (In Persian).

- Gholam, Mohammad (2002), historical novel (The course and critique of the analysis of Persian historical novels 1332-1284) First Edition, Tehran, Cheshmeh Publishing. (In Persian).
- Qanunparvar, Mohammad Reza (1365). "With the Black Mask", quoting "The Other Half" by Simin Daneshvar, No. 5, Winter, in "On the Beach of Wandering Island", Ali Dehbashi, Tehran, "Sokhan". (In Persian).
- Kouchakian, Tahereh and Ghorbani, Khavar (2010) The Reflection of Socialist Society and Realism in the Abyssinian Years, by Ali Ashraf Darvishian, Journal of Tabir School of Literature and Humanities, Vol. 220: pp. 85-106. (In Persian).
- Mohammadloo, Mahnaz and Najmeh Nazari, (2014), "Island of Wandering and the School of Realism" Quarterly Journal of the Faculty of Persian Language, Literature and Foreign Languages, Islamic Azad University of Sanandaj, Year 6, Issue 20, Fall. (In Persian).
- Masjedi, Hossein (2010), Winter "Magical Realism in the Works of Gho Mohsen Saedi", Textual Literature of Farty, Vol. 8: pp. 93 - 106. (In Persian).
- Motamedi Azar, Parviz (2005) "Realism of Realism" Research in Contemporary World Literature, Vol. 23: pp. 79-92. (In Persian).
- Momtaten, Mehdi and Lak, Iran, (2013), A Comparative Analysis of the Two Schools of Realism and Symbolism in the Works of Najib Mahfouz and Ahmad Mahmoud, Volume 3, Number 12: pp. 147-174. (In Persian).
- Mirsadeghi, Jamal (1383). "Simin Daneshvar and Story Writing", quoting the book "Famous Contemporary Iranian Fiction Writers", Jamal Mirsadeghi, Nashr Publishing, Tehran, 2003, in "On the Beach of Wandering Island", Ali Dehbashi, Tehran, "Sokhan". (In Persian).
- Mirsadeghi, Jamal, (2002), "The Story of Famous Contemporary Iranian Writers", Tehran: Nashr Publishing, Tehran. (In Persian).
- Mir Abedini, Hassan (1386). "Culture of Iranian Fiction Writers from the Beginning to Today", First Edition, Tehran: Cheshmeh Publishing. (In Persian).
- Mawam, Somerset (1998). About novels and short stories, translated by Kaveh Dehgan, Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian).
- Wallace Stegner, Farzaneh Milani, (2004), "Warm greetings to Simin Daneshvar", quoting "The Other Half" for Simin Daneshvar, No. 5, Winter



1986, in "On the Beach of Wandering Island", Ali Dehbashi, Tehran , "Speech". (In Persian).

- Volk, René, (1998) History of Literary Criticism, translated by Saeed Arbab Shirvani. A4, Tehran: Nilofar. (In Persian).

-The Oxford Companion to American Literature, James D. Hart, 5, 11 editions, Oxford University Press, 1983.